

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

تلفن تماس با ما  
Tel: 0046720077654

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com



منصور حکمت

# ایسکرا

## ۶۶۸

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

سردبیر عبدل کلپریان

۷ فروردین ۱۳۹۲، ۲۷ مارس ۲۰۱۳

چهارشنبه ها منتشر میشود

## سیاست اوجلان و پ.ک.ک شکست راه حل ناسیونالیستی مسئله کرد!



محمد آسنگران

moasangaran@gmail.com

دوران افول جایگاه پ.ک.ک در کردستان و قبول رسمی شکست راه حل ناسیونالیستی مسئله کرد است. پ.ک.ک از سال ۹۹ میلادی وارد دوران تازه ای در حیات خود شد. در کنگره بعد از دستگیری اوجلان این حزب نه تنها اسم پ.ک.ک را تغییر داد، بلکه از خواست "کردستان مستقل" و حتی استقلال کردستان ترکیه هم دست برداشت. نه تنها این بلکه مطالباتی از نوع خودمختاری و فدرالیسم و ... هم که طرح و سیاست دیگر جریانات ناسیونالیست کرد در کشورهای دیگر بود را مطرح نکرد. حاضر شدند به شرط آزادی اوجلان با کمترین امتیاز همراه دولت ترکیه بشوند. اما ترکیه نپذیرفت.

صفحه ۲

## دستگیری و بازداشت فعالین کارگری، ترس وزبونی رژیم اسلامی



طه حسینی

رژیم اسلامی ایران در موقعیتی قرار گرفته است که از تحرك جنبش کارگری برای رسیدن به حقوق پایمال شده اش وحشت و ترس سراپای وجودش را فرا گرفته است. دعوای درونی و افشاگریهای باندهای دزد و قلدز از همدیگر از طرفی و نگرانی و وحشت از اعتراضات اجتماعی مردم در مقابل پایین آمدن سطح معیشت و زندگی روزانه شان بیکاری و گرانی و بالا رفتن قیمت اجناس مورد نیاز و همچنین پایین آمدن روزانه ارزش ریال به صورتی است که کارگران و نود و نه درصد مردم ایران دستمزدشان و نتیجه کار و زحمتشان را با ریال دریافت میکنند ولی خرید و تهیه مایحتاج زندگیشان را با دلار باید پرداخت کنند. در چنین شرایطی می بینیم که رژیم و دار و دسته های مسلحش روزانه به مناسباتی مختلف مردم و جوانان را بخصوص مورد ضرب و شتم قرار میدهد و روزانه صدها

نفر را بازداشت و روانه زندانها میکنند. اینها امروزه حتی از برگزاری جشن ها و مراسمات مذهبی خود نیز وحشت دارند که ممکن است همین مراسمات تبدیل

صفحه ۲

## بیانیه جمعی از کارگران شهر سنندج در محکومیت بازداشت فعالین کارگری

اقتصادی و اجتماعی، با در نظر داشتن مصالح طبقاتی خود، اولین گزینه برای تقبل سنگینی بار تمامی فشارهای موجود سیستم سرمایه داری بوده، و زندگی و معیشت آنان به مثابه سیبلی قابل دسترس، برای شلیک نهایی سرمایه داری خواهد بود.

در مقابل این سیاست ضد کارگری، جنبش کارگری به مثابه پویاترین جریان، و پیشروترین جنبش اجتماعی ایران، هیچگاه

صفحه ۸

می کند. به همین خاطر، و به منظور تداوم تسلط خود، سعی در انتقال فشارهای موجود نموده، تا سنگینی بار تمامی این فشارها را به نحوی از انحاء از دوش خود سبک نماید.

در این میان طبقه کارگر با توجه به حاشیه نشین بودنش، و دور نگاه داشته شدنش از تمامی معادلات تعیین کننده سیاسی و اقتصادی ایران، و فقدان نیروی بالقوه سیاسی در تعیین رویکردهای نوین سیاسی،

کارگران، زحمتکشان، انسانهای آزادیخواه و برابری طلب! همانطور که می دانید سیستم سرمایه داری ایران، آخرین با توجه به تعمیق بحران اقتصادی، و تشدید تحریم های جهانی، و منزوی تر گشتنش در تمامی عرصه های اقتصادی و سیاسی در محافل بین المللی، با چالش های عظیمی مواجه گشته، و بیش از هر زمان دیگری خطر از دست دادن استیلا خود را بر تمامی شریانهای سیاسی و اقتصادی جامعه ایران احساس

دستگیری ۷ فعال کارگری ظرف دوازده روز در سنندج

صفحه ۴

برای رفیق اختر کمانگر! / نسان نودینیان

صفحه ۸

مختصری از تاریخ یک دوره / عبدل کلپریان / بخش دوم

صفحه ۹

### نگاه هفته

مجموعه ای از  
رویدادهای هفته  
در شهرهای کردستان

نسان نودینیان



کردستان(از جمله عادل نجفیان سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی بوکان که گفته بود: « ما به عنوان آسادی برای نوروز در چارچوب فرهنگ اسلامی نباید به خاطر پرداختن به برخی از امور از ارزشهای اصیل اسلامی که در آن تعریف شده غفلت کنیم. و در نوروز،

صفحه ۵

این شماره نگاه هفته در تب و تاب مراسمهای نوروزی در شهرهای کردستان منتشر میشود. جشنهای نوروزی و چهارشنبه سوری و تجمعات اعتراضی در شهرهای کردستان در ابعاد وسیع و در بیشتر شهر و شهرک ها و محلات شهرها برگزار شد. علیرغم هشدار و منبر رفتن آخوند و مروجین اسلامی در

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## سیاست اوجلان و پ.ک.ک. . .

از صفحه ۱

اکنون در متن تحولاتی که در منطقه آغاز شده است و تنگناهای قابل پیشبینی که پ.ک.ک. آنرا در چشم انداز آتی خود دیده است، روز اول سال ۱۳۹۲ شمسی با نامه اوجلان و توافق کادر رهبری پ.ک.ک. بدون رسیدن به هیچ توافق رسمی با دولت ترکیه اعلام کردند که دوران جنگ مسلحانه به پایان رسیده است و گفتند که نیروی مسلح پ.ک.ک. از خاک کشور ترکیه خارج میشود. با این سیاست عملا و منطقا شکست راه حل ناسیونالیستی مسئله کرد را اعلام کردند. سعی میکنم در این نوشته عجالتا و به اختصار روندهای آتی این تحول تاریخی در جنبش ناسیونالیستی را بررسی کنم.

### نگاهی به تاریخ جنبش ناسیونالیسم کرد

تاریخ جریانات ناسیونالیستی در کردستان راه حل استقلال، خودگردانی، خودمختاری و فدرالیسم را برای حل مسئله کرد مطرح کرده اند. با نگاهی به تاریخ جنبشهای ناسیونالیستی در کردستان در هر چهار کشور ترکیه، ایران، عراق و سوریه اینها راه حلهایی بوده اند که تاریخا هم سران عشایر، ملاکین و خواین کرد دنبال ناسیونالیست کرد به عنوان راه حل مسئله کرد مطرح کرده اند. این جریانات سنتا با استفاده از شکاف دولتهای منطقه و اتکا به دولتها و قدرتهای جهانی، اساسا با استفاده از شکل مبارزه نظامی و پیشمرگانه، تلاش کرده اند به عنوان یک دولت و یا بخشی از یک دولت، به قدرت برسند و یا در قدرت شریک شوند.

نمونه های قدرت گیری سران عشایر، مالکان و شیوخ و ملاها در کردستان ترکیه در دوران عثمانی، بعدا به ترتیب جمهوری مهاباد و خودگردانی (حکم ذاتی) در کردستان عراق و در تاریخ معاصر قدرت گیری احزاب جنبش ناسیونالیستی در کردستان عراق کافی است که ما به روش، شکل، سنت و سیاست و راه حل و نتایج قدرتیگیری این جریانات پی ببریم. هاله مقدس و موهومی که تاریخا به دور راه حل ناسیونالیستی

نتیجه عدم توانایی آنها در تثبیت قدرت خود و اعمال دیکتاتوری علیه مردم است.

به هر حال آنچه در کردستان عراق دیده و تجربه شد حتی هنگامیکه جریانات ناسیونالیست کرد بیشتر از شریک شدن در قدرت، به نوعی حکومت نیمه مستقل هم میرسند (مانند کردستان عراق) باز هم مردم به خواسته های پایه ای خود نمیرسند. آنچه تا کنون در کردستان عراق تجربه شده است، نقش و سیاست احزاب ناسیونالیست حاکم، چپاول دسترنج مردم و سازمان دادن مافیای قدرت برای محروم کردن مردم کردستان است. سهم شهروندان ساکن کردستان تحت حاکمیت این احزاب چیزی فراتر از محروم ماندن و عدم دخالت در تعیین سرنوشت اجتماعی خود نیست. تنها تفاوت برای مردم این است که در بهترین حالت میتوانند به زبان خود تکلم و آموزش ببینند. که این موضوع هم در دوران صدام حسین قانونی شده بود. آموزش به زبان کردی امر تازه ای نیست. هر "دستاورد" دیگری اگر هست ربطی به سیاست و ماهیت جریانات ناسیونالیستی ندارد. بلکه نتیجه دوران عدم تثبیت این جریانات است که نتوانسته اند تمام ایدئولهای سرکوبگرانه خود را اعمال کنند.

### زمینه های مذاکره اوجلان و دولت ترکیه

دولت ترکیه و پ.ک.ک. هر دو به این مذاکره و تمام کردن جنگ مسلحانه با هم احتیاج داشتند. تحولات دو سال گذشته در منطقه، مادر این اتفاقات است. با آغاز انقلابات در کشورهای شمال آفریقا دامنه این اعتراضات به سوریه رسید. دولت سوریه و ترکیه هم تاریخا رابطه خوبی با هم نداشتند.

بعد از قدرتیگیری جریان اسلامی در ترکیه و عروج نوعی از "اسلام میانه رو" متحد غرب، که هم فاصله خود را با جنبش اسلام سیاسی نشان دهد و هم متحد غرب باشد امکاناتی برای عروج ترکیه فراهم کرده است. موفقیتهای سیاسی و اقتصادی دولت اردوغان در ترکیه که یک متحد قابل اعتماد غرب است و مهار کردن یکه تازی ارتش در این کشور، الگویی برای دیگر جریانات اسلامی در منطقه شد. چنانچه

## از صفحه ۱ دستگیری و بازداشت . . .

به پژواکی از جانب مردم بر علیه خود رژیم شود. جمهوری اسلامی بر بستر همین ترس و وحشت امسال نیز همانند سالهای قبل از هشت مارس روز جهانی زن شروع به دستگیری و بازداشت فعالین کارگری و اجتماعی کرد و این بازداشتها همچنان ادامه دارد. کاربدستان رژیم دچار محصه ای شده اند که پایان ناپذیر است.

هنوز هشت مارس به اتمام نرسیده که جوانان و مردم خود را برای چهارشنبه سوری و جشن نوروز و روزهای ایام سال نو آماده میکردند. ولی وحشت رژیم از هم تکون بیشتر از همه از اول ماه مه روز جهانی کارگر است. در همین رابطه در هفته های گذشته شروع به دستگیری و بازداشت تعداد زیادی از فعالین کارگری و فعالین سندیکاهها و اتحادیه های کارگران کرده است. در شهر سنندج در مدت کوتاهی دوازده نفر از فعالین کارگری را دستگیر کرده است و به خانه گردی و حتی در مواردی از بازداشت خانواده آنها صرف نظر نکرده است. در همین رابطه خانواده های این بازداشت شده گان روزانه برای آزادی عزیزانشان در اعتراض و مبارزه هستند. تجمعات آنها جلو زندان و استانداری و اداره اطلاعات سنندج باعث دردسر

اکنون جریانات اخوان المسلمین در مصر و لیبی و تونس و حتی حماس در فلسطین و . . . مدل نوع ترکیه را به نوع حکومت اسلامی حاکم بر ایران ترجیح داده اند.

هنگامیکه دامنه انقلابات به سوریه رسید و انقلابی توده ای در مقابل اسد شکل گرفت، دولت ترکیه و دولتهای غربی نگران این بودند که دامنه این انقلابات به ترکیه و دیگر کشورهای عربی رقیب جمهوری اسلامی هم کشیده شود. اگر این اتفاق میفتاد عملا سدی در مقابل عروج ترکیه برای تبدیل شدن به قدرت منطقه ای ایجاد میشد. ترکیه و متحدینش بحران سوریه را غنیمت شمردند که با حمایت از اپوزیسیون اسد هم یکی از دولتهای ناسازگار با خود و غرب را از سر راه

بردارند و هم مانع گسترش انقلاب به دیگر کشورهای منطقه بشوند. کشورهای غربی و دولتهای مرتجع عرب هم بیش از ترکیه نگران شدند که موج این انقلابات گسترش پیدا کند و یکی بعد از دیگری دولتهای متحد غرب را سرنگون کند.

با توجه به فاکتورهای بالا یک جبهه غیر رسمی از دولتهای عربی، ترکیه و اروپا و آمریکا در حمایت از نیروهایی متحد خود در سوریه که بتوانند از یکطرف انقلاب را حاشیه ای کنند و از طرف دیگر اسد را سرنگون کنند شکل گرفت. یکی از نتایج هماهنگی این جریانات در مقابل اسد این شد که با تقویت اپوزیسیون مرتجع و ضد انقلابی اسد در نیمه راه سر انقلاب را بریدند.

## سیاست اوجلان و پ.ک.ک...

از صفحه ۲

اما سرنگونی اسد برای همگان به يك امر مسجل تبدیل شد. با این تحول ترکیه و کشورهای عربی با کمک و حمایت غرب به دو هدف مهم خود رسیدند. اکنون مشکل آنها این است که بعد از اسد جریانات خود ساخته را چگونه کنترل کنند. یعنی به نوع با تکرار سناریوی شبیه افغانستان مواجه شده اند. آنجا هم مجاهدین را در مقابل دولت متحد روسیه تقویت کردند اما همان مجاهدین بعدا موی دماغ غرب شدند و تا کنون نتوانسته از عواقب آن سیاست خلاص بشوند.

با این سیاست ضدانقلابی که ترکیه، کشورهای عربی، و غرب به بهانه مقابله با جنایات اسد در سوریه دنبال کردند، ضربه مهلکی به روند رو به پیش جنبشهای انقلابی در منطقه وارد نمودند. انقلاباتی که جذابیت بالایی در میان مردم منطقه و جهان پیدا کرده بود و راه مقبول و کم دردسری برای رهایی از شر حکومتهای خودکامه به مردم نشان داده بود و با سرعت در حال گسترش به کشورهای منطقه بود، را سد کردند. نه تنها این، بلکه با نقش جنایتکارانه دولت سوریه و جمهوری اسلامی در هماهنگی با متحدینی مثل روسیه و چین نتایج انقلاب مردم در انظار عموم تبدیل به چنان تجربه ای شد که هر انقلابی را با خون ریزی، ویرانی و آوارگی در ذهن مردم حک کنند. با ظاهر شدن نتایج اقدامات دو طرف این جدال در سوریه، عملا طعم پیروزیهای قبلی را در کام میلیونها انسان ستمبیده تلخ کردند و رسیدن به امید و آرزوهای مردم يك بار دیگر به تعویق افتاد.

یکی از تبعات این جدال بوجود آمدن هماهنگی و همکاری اسد، جمهوری اسلامی و پ.ک.ک بود. هنگامیکه جمهوری اسلامی نتوانست از راه دیپلماتیک مسیر حمایت ترکیه از اپوزیسیون سوریه را تغییر دهد، جنگش را با پژاک تمام کرد و پ.ک.ک را در مقابل ترکیه تقویت نمود. جمهوری اسلامی با تقویت پ.ک.ک و پژاک در مقابل ترکیه امیدوار بود ترکیه را ناچار به تجدید نظر در سیاستش در قبال سوریه بکند. اما ترکیه بر ادامه سیاست خود پافشاری کرد. جمهوری

(استقلال کردستان بزرگ و یا حتی استقلال کردستان ترکیه) دست بردارند. دوما متوجه شده اند که با جنگ مسلحانه پیشمرگایستی و یا نیروی پارتیزانی گریلائی پ.ک.ک، نمیتوانند يك عضو ناتو و دولتی که در چند سال گذشته موفقیتهایی به دست آورده است و به الگویی برای دیگر جریانات اسلامی تبدیل شده است را وادار به عقب نشینی کنند. اینرا البته پ.ک.ک از قبل هم میدانست و دو بار دیگر یکطرفه اعلام آتش بس کرده بود. اما ترکیه همچنان با مشت آهنین به آنها پاسخ داده بود.

این بار تحولات منطقه و استراتژی سیاسی دولت ترکیه برای تبدیل شدن به يك قدرت منطقه ای و عضوی از اتحادیه اروپا ضرورت حل مشکل جنگ مسلحانه با پ.ک.ک را به يك امر جدی برای دولت ترکیه تبدیل کرده بود. ترکیه به عنوان يك متحد تاریخی غرب و عضوی از ناتو، از يك طرف تلاش میکرد تقاضای عضویتش در اتحادیه اروپا تایید شود و از طرف دیگر داعیه قدرت اصلی در خاورمیانه را دارد. مجموع این فاکتورها ترکیه را به این قناعت رساند که سیاست کنونی در قبال پ.ک.ک و مذاکره با اوجلان را در پیش بگیرد. از نظر دولت ترکیه "اوجلان تروریست که حکم اعدامش صادر شد و اکنون به حبس ابد محکوم شده است" در این مقطع زمانی بیش از هر کسی مورد اعتماد دولت ترکیه است.

پ.ک.ک هم به این نیاز داشت که روزنه ای پیدا شود و وارد پروسه بده بستان با دولت ترکیه گردد. ضرورت فوری "صلح" و اعلام پایان دوره جنگ مسلحانه برای پ.ک.ک تنها قناعت به این امر نبود که ناتوان از به عقب راندن دولت و ارتش ترکیه است. بلکه تحولات منطقه و مسجل شدن سرنگونی اسد تبعات مهم و محدود کننده ای برای پ.ک.ک بوجود می آورد که سرنوشت و آینده این حزب را با مخاطرات جدی روبرو میکند. پ.ک.ک میدانند با سرنگونی اسد پشتیبانی فعلی جمهوری اسلامی را از دست میدهد. زیرا جمهوری اسلامی حتی اگر هنوز در قدرت باشد، منافع پایه ای تری با ترکیه دارد و به راحتی پ.ک.ک را معامله میکند. دولت اقلیم کردستان عراق

هم خود را محتاج ترکیه میدانند و در چهار چوب سیاستهای غرب و ترکیه بازی میکنند. احزاب حاکم در کردستان عراق نمیتوانند نقطه اتکایی جدی برای پ.ک.ک باشند. با در نظر گرفتن این واقعیات و دیدن این احتمالات اوجلان و پ.ک.ک تلاش میکنند با حداقل امتیازات هم راضی شوند و قبل از سرنگونی اسد و تنگناهایی که برایشان بوجود می آید به جریانی پارلمانی مانند دیگر جریانات قانونی ترکیه تبدیل شوند.

حزب قانونی ب.د.پ. که ۳۰ نفر عضو در پارلمان ترکیه را و تعداد زیادی از شهردارهایی مناطق کرد نشین را عاید خود کرده است و يك حزب متحد پ.ک.ک هم هست، در هماهنگی با دولت ترکیه و پ.ک.ک نقش اصلی را در این مسیر داشت که بتوانند پ.ک.ک و دولت ترکیه را به نتایج کنونی و اعلام پایان جنگ مسلحانه از جانب پ.ک.ک برسانند. اکنون اوجلان پایان دوره جنگ مسلحانه و پ.ک.ک آتش بس یکطرفه را اعلام کرده اند. در عین حال انتظار دارند دولت ترکیه به يك دولت "دمکراتیک" (امکان شریک شدن در قدرت برای پ.ک.ک) تبدیل شود. اینرا از اردوغان میخواهند و اردوغان هم فعلا فقط به پیام اوجلان روی خوش نشان داده است. این پیام هیچ شرطی برای دولت ترکیه قایل نشده است و مطالبه ای هم مطرح نکرده است.

از طرف دیگر اردوغان هم خطایش به پ.ک.ک و اوجلان به عنوان يك نیروی صلح طلب نه يك نیروی "تروریست" که بیش از چهار دهه است آنها را با این اسم خطاب میکنند، این است که: "نیروهای مسلح پ.ک.ک باید اول خاک ترکیه را ترک کنند و بعدا خلع سلاح بشوند تا بتوان مذاکرات را به نتیجه رسانند."

این يك تحول مهم در ترکیه و منطقه است. با وجود استقبال توده ای مردم کردستان ترکیه و استقبال جهانی از پیام اوجلان این يك پیروزی برای دولت ترکیه محسوب میشود. زیرا اوجلان بدون هیچ تضمینی تن به اعلام پایان جنگ مسلحانه داده و از نیروهای مسلحش خواسته است که خاک ترکیه را ترک کنند. این پیام اعلام رسمی شکست راه حل ناسیونالیستی مسئله کرد است، که

در تاریخ معاصر به شکل مسلحانه و مذاکره و استفاده از شکاف دولتها همیشه خواسته است در قدرت سهیم شود. اما ناسیونالیسم کرد به عنوان يك جنبش همچنان سایه اش بر سر مردم و جنبشهای انقلابی در کردستان ترکیه سنگینی میکند.

## نتایج و پیامدهای این تحول

تا جایی که به پ.ک.ک مربوط میشود اعلام این سیاست آغاز پروسه خلع سلاح و پایان جنگ مسلحانه این حزب است. با هر زیر و بمی که این پروسه طی کند و حتی اگر يك دور دیگر جنگ آغاز بشود باز هم این روند سیاسی و استراتژیک به سمتی میرود که پ.ک.ک به شکل کنونی نمیخواهد و نمیتواند فعالیتش را ادامه بدهد. به احتمال زیاد با اسم دیگری به يك حزب قانونی مثل بقیه احزاب در ترکیه به پارلمان راه پیدا میکند. پ.ک.ک به جریانی تبدیل میشود که سرنوشت کردستان سوریه را با مصالحه و همکاری ترکیه و حکومت اقلیم کردستان عراق حل و فصل میکنند. پ.ک.ک در کردستان عراق و ایران هیچ وقت نیروی ریشه داری نبوده و از موقعیت کنونی هم ضعیف تر خواهند شد. این يك تحول مهم است که در کشورهای همجوار تاثیرات چنین پایانی برای پ.ک.ک، مردم را به مرور از توهمات ناسیونالیستی دور میکند.

میدان جدال و بروز و عروج جنبشهای شهری و احزاب و جریانات چپ، بویژه جنبش کارگری در کردستان ترکیه که تا کنون در زیر فشار يك جریان قوی ناسیونالیستی و مسلح که صدای هر مخالف خود را خاموش میکرد، بیشتر میشود. صدایی که امکان بروز علنی و گوش شنوا پیدا نمیکرد بیش از پیش به جلو صحنه می آید. جلو آمدن جنبش چپ و عروج جنبش کارگری به عنوان يك جنبش بالنده قبلا در کردستان ایران پس از انقلاب ۵۷ آغاز شد. بعدا در کردستان عراق این پروسه پی گرفته شد و اکنون با این تحولات دامنه اش به ترکیه خواهد رسید.

در کردستان ایران شرایط قدرتگیری چپ و اعتماد جامعه به راه حل واقعی و مسئولانه چپ و کمونیستها برای رفع ستم ملی و حل

## دستگیری ۷ فعال کارگری ظرف دوازده روز در سنندج غالب حسینی یکی دیگر از فعالین کارگری دستگیر شد



روز ۲۹ اسفند ساعت ۱۲ ظهر غالب حسینی یکی دیگر از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در شهر سنندج در محل کار خود دستگیر گردید. غالب در ۸ مارس و بعد از دستگیری ۵ نفر دیگر از اعضای این کمیته به اسامی بهزاد فرج الهی، وفا قادری، سید خالد حسینی، حامد محمودنژاد و علی آزادی در ۱۷ اسفند چندین بار مورد تهدید نیروهای امنیتی رژیم اسلامی قرار گرفت و از وی خواسته شده بود که خود را معرفی کند. بعلاوه شریف ساعد پناه یکی دیگر از فعالین کارگری در شهر سنندج و عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار سی هزار امضا با خواست افزایش دستمزدها نیز در ۲۰ اسفند دستگیر شده است. بدین ترتیب در فاصله دوازده روز ۷ نفر از رهبران و کارگری در شهر سنندج دستگیر شده اند.

در این مدت خانواده های کارگران زندانی مرتباً تجمع اعتراضی برپا کرده و خواهان آزادی عزیزانشان از زندان شده اند. آنها همچنین طی اطلاعیه ای از کارگران و مردم زحمتکش و تشکلهای کارگری و نهادهای

مردمی و به خصوص مردم شهر سنندج خواسته اند که به هر شکلی که میتوانند آنها را در جهت آزادی عزیزانشان یاری رسانند.

در ادامه همین تجمعات روز دوشنبه ۲۸ اسفند جمع کثیری از خانواده های کارگران دستگیر شده در شهر سنندج طبق روال روزهای

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
شاهلا دانشفرو  
Shahla.daneshfar@yahoo.com  
بهرام سروش  
Bahram.Soroush@gmail.com  
http://free-them-now.blogspot.com

جانب اوچلان و مهر تایید پ.ک.ک بر این سیاست، این روش اصلی مبارزه ناسیونالیستهای کرد به منظور شریک شدن در قدرت، يك ضربه تاریخی و جدی خورده است و در کوتاه مدت زنده کردن آن بسیار سخت خواهد بود. این تحولات اگر چه با قدرت و فشار جنبشهای انقلابی حاصل نشده است و پیروز این جدال فعلا دولت ترکیه خواهد بود، اما از لحاظ سیاسی و موقعیت جهانی امروز که جبهه بورژوازی جهانی بی افق و بدون استراتژی است، میدان عروج جنبشهای انقلابی و در راس آنها جنبش کارگری و کمونیستی را بیش از پیش فراهم میکند.

کمونیستها با نقد روش، سنت و سیاست ناسیونالیستها باید راه حل انسانی، انقلابی و واقعبینانه خود را برای حل مسئله کرد طرح کنند. همزمان باید با اتکا به مطالبات واقعی مردم در عرصه های مختلف در نقد توهمات ناسیونالیستی راه پیروزی واقعی را در مقابل مردم قرار دهند. مردم ناچار نیستند که در میان دو جبهه ارتجاع دولتهای سرکوبگر حاکم و یا جریانات ناسیونالیست ملت تحت ستم یکی را انتخاب کنند. مردم حق دارند و باید این امکان را فراهم کرد که يك قطب چپ و انقلابی را بتوانند انتخاب کنند. چپی که به عنوان آلترناتیو و در نقد دو جبهه ارتجاع ناسیونالیستی (جریانات و دولتهای حاکم از يك طرف و احزاب و جریانات اپوزیسیون ناسیونالیست از طرف دیگر) به میدان نیاید، شانس چندانی برای پیروزی نخواهد داشت. هر نوع توهم به یکی از آن دو قطب و یا حتی سکوت در مقابل یکی از آنها خاک باشیدن به چشم مردم است.

۲۶ مارس ۲۰۱۳

## سیاست اوچلان و پ.ک.ک...

از صفحه ۳

مسئله کرد قدمت طولانی تری دارد. بعد از نتایج دو دهه حکومت احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق اکثریت مردم ساکن آنجا هم به این نتیجه رسیدند که از حاکمیت ناسیونالیستهای کرد رویگردان شوند. به همین دلیل مردم کردستان عراق از دوران توهم عبور کرده و اکنون گوش شنوا برای نقش جنبشهای دیگر و صداهای دیگر بیش از همیشه فراهم شده است.

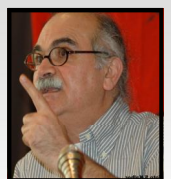
با خاموش شدن اسلحه احزاب مسلح کردستان ایران که فعلا در کردستان عراق مستقر هستند، و دلیل آنرا (در نظر گرفتن مصلحت احزاب ناسیونالیست حاکم در کردستان عراق) اعلام کردند، این سیاست از جانب پ.ک.ک مورد نقد قرار گرفت و خود را نیرویی قاطع و جنگجو معرفی کرد که میخواهد جای خالی آن احزاب را پر کند. این سیاست و تاکتیک توهماتی در میان مردم بوجود آورد. حدود دو دهه پ.ک.ک نقش به احزاب هم جنبشی خود در ایران این بود که آنها مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی را کنار گذاشته اند. مبارزه "قاطع مسلحانه" که پ.ک.ک در دو دهه گذشته پرچمدار آن بود و به عنوان يك نیروی "سازش ناپزیر" خود را معرفی کرده بود، نقش عمیقی در متوهم کردن بخشهایی از مردم به این جریان بازی کرد. اکنون با اعلام پایان دوره جنگ مسلحانه از جانب اوچلان تمام آن عمارت پوشالی که از خود ساخته بودند فرو میریزد.

اعلام پایان دوره جنگ مسلحانه از جانب اوچلان و قبول رسمی این سیاست از جانب پ.ک.ک تاثیر زیادی بر احزاب و سنتهای مبارزاتی و اعتراضی مردم و جریانات سیاسی خواهد گذاشت. این پایانی غم انگیز و شکستی سهمگین برای سنت و راه

مذاکرات پ.ک.ک و دولت ترکیه هر نتیجه ای داشته باشد با اعلام رسمی پایان دوره جنگ مسلحانه از

### سخنرانی حمید تقوایی "بحران همه جانبه جمهوری اسلامی و چشم انداز انقلاب در ایران"

سخنرانی حمید تقوایی، لیبر حزب کمونیست کارگری: "بحران همه جانبه جمهوری اسلامی و چشم انداز انقلاب در ایران" ۳۰ مارس، مونتترال کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ در ایران - مونتترال برگزار می کند



شنبه ۳۰ مارس ساعت ۶ بعد از ظهر

زنده باد انقلاب انسانی  
برای جامعه ای انسانی!

## نگاه هفته...

از صفحه ۱

مردم باید از رسومی که با مفاهیم اسلامی مغایرت دارد پرهیز کنند. «مقررات اسلامی و فضای امنیتی زیر پا گذاشته شدند. دختر و پسر و زن و مرد در فضای آزاد شده از سلطه نیروهای رژیم دست در دست هم به شادی و تجمع و جشن و هلهله پرداختند. در شهر و روستاهای سنج، سردشت، ربط، سیسر، مهاباد، بوکان، سقز، کامیاران، دیواندره، مریوان، روستای "چور ننه"، سروآباد و ساحل رودخانه "زریوار" ده ها هزار نفر به رقص و پایکوبی و شادی پرداختند. در تعدادی از این مراسم پارچه های سیاه به عنوان سمبل پوشش اسلامی و حجاب سوزانده شد. مراسم های چهارشنبه سوری و نوروز امسال با جلوه هایی از اعتماد به نفس و قدرت مردم به نمایش گذاشته شد.

از رویداد های مهم هفته گذشته پیام "عبدالله اوجلان" و انعکاس این پیام در ترکیه و رسانه ها و بازتاب آن در سازمان و احزاب سیاسی در کردستان است. بالاخره مساله ناسیونالیسم و کرد در کردستان ترکیه وارد فاز و دوره جدیدی شده است. فاز جدید افول افق ناسیونالیسم نوع پ. کاکا. و باز شدن افق جدیدی در جامعه و در کل ترکیه در ارتباط با ابراز وجود سازمانهای چپ و کمونیستی و قائل شدن آنها به حل "مساله کرد" است. در ۲۸ سال گذشته این پ. کاکا است که حرف نهایی را در ارتباط با مساله کرد در کردستان ترکیه زده است. بعبارت دیگر هژمونی سیاسی این سازمان در کردستان و نزد احزاب ناسیونالیستی از نفوذ و قدرت مشخص برخوردار بوده است. با دستگیری عبدالله اوجلان در سال ۱۹۹۹ ترک و شکاف جدی در صفوف پ. کاکا ایجاد میشود. اما، دولت ترکیه کماکان بر سیاست شونیستی ادامه داده و با دستگیری اوجلان که ضربه سنگین به ساختار "رهبری" پ. کاکا است، به حملات نظامی خود از طریق هوایی و زمینی ادامه داده و در موارد زیادی تعداد زیادی از نیروهای مسلح پ. کاکا را دسته جمعی قتل عام کرده است. و از تبعات دیگر سرنوشت پ.

کاکا بعد از ۱۹۹۹ (دستگیری عبدالله اوجلان) چند شاخه شدن این سازمان است. با وجود تمام این اتفاقات و رویدادهای سیاسی و سازمانی کماکان مردم در کردستان ترکیه اعتراض به ستم ملی را ابراز، و در موارد زیادی در شکل اعتراضات وسیع و توده ای در شکل تظاهرات ابراز وجود کرده اند. چند ماه قبل در حمایت از اعتصاب ده ها زندانی سیاسی کرد در زندانها این اعتراضات به اوج خود رسید. و همزمان با اوجگیری این اعتراضات در شهرها و در زندانها، مساله مذاکرات رئیس اداره اطلاعات دولت مرکزی ترکیه با عبدالله اوجلان مطرح و بر فضای اعتراضی شهرها سایه افکند. «این مذاکرات که در قالب میانجیگری دولت مرکزی و تعدادی از اعضاء پارلمانی کرد در زندان امرالی -در استان بوسرا- انجام شد». ناسیونالیسم کرد در ترکیه در طول حیاتش بدنبال تیولداری کردستان بعنوان یک سرزمین بوده است. فاقد افق و برنامه برای جامعه مدنی و حق دخالت شهروندان کردستان ترکیه در تعیین حق سرنوشت و حل مساله کرد در شکل فراندوم بوده، پیام نوروزی عبدالله اوجلان را نمیتوان در چارچوب همین تیولداری هم تعریف کرد. اشاره به چند فاکتور در همین رابطه ضروری است؛ قاعده تاکنون موجود در عرف و عادات بین المللی وارد شدن به مذاکره و اعلام آتش بس در گرو ایجاد پیش زمینه ها و شروط معینی از جمله آزادی زندانیان سیاسی و یا بیرون کشیدن نیروهای اشغالگر دولت مرکزی و یا ایجاد فضای باز سیاسی و پایان دادن به نظامی و امنیتی کردن شهرها، است که دو طرف مذاکره کننده را بر سر میز مذاکره خواهد آورد. رابطه پ. کاکا با دولت مرکزی نتیجه این "قاعده" نبوده است. علیرغم انتشار پیام اوجلان و قبول آتش بس توسط فرمانده نظامی پ. کاکا در کوه های قندیل، رابطه دیپلماتیک - مذاکره ای دولت مرکزی و پ. کاکا پیشرفتی نکرده است. دولت اعلام کرده است که "عفو عمومی" در ارتباط با آزادی زندانیان سیاسی را نمی پذیرد. هیچ سند و اطلاعاتی رسمی که قبول آتش بس توسط دولت مرکزی دولت ترکیه منتشر نشده و تاکنون در کلام

و در ارائه سند هنوز حاضر نشده امتیازات و یا حقوق معینی را اعلام کند. «تنها مورد مورد توافق و علنی این است که نیروهای پ. کاکا کوههای قندیل و مناطق کوهستانی ترکیه را به سمت منطقه کردستان عراق ترک می کنند که مسعود بارزانی رئیس این منطقه مراقبت از آنها را برعهده می گیرد». رژه و مارش نوروزی هزاران نفر از شهروندان کرد در "دیاربکر" که در فضای کمتر امنیتی کردن شهرها و دیاربکر تحت کنترل پلیس و دولت مرکزی انجام شد بواسطه اعلام علنی و شنیدن پیام اوجلان انجام گرفت. کردستان ترکیه هنوز اشغال شده است. و هنوز سیمای امنیتی و حقوق شهروندی در شهرهای کردستان ترکیه مثل سابق است. تحرك ارتش ترکیه و آرایش نیروهای امنیتی هنوز تغییری نکرده است. این اوجلان و افق ناسیونالیسم و پ. کاکا است که تغییر کرده و در انتهای مسیر تاکنون موجودش قرار گرفته اند. ایندوره دوره سخت و در گرو خنثی کردن افکار و آرا پان ترکیستها در ترکیه و تلاشی است برای برسیمت شناختن - حقوق مساوی شهروندی - "مشکل تاریخی مردم کردستان اینست که تحول سیاسی - حزبی این جامعه از تحول مدنی - فکری آن عقب مانده است. مردمی متمدن، امروزی و فهیم، اسیر ناسیونالیسمی عشیره ای اند که دنباله دول ستمگر منطقه است و جلوی رشد سیاسی و ایجاد ساختارهای نوین مبارزه برای آزادی و برابری را با خشونت گرفته است. چاره کار رشد سوسیالیسم و کمونیسم کارگری... است". اکنون مسیر پیشروی بسوی رشد سیاسی و ایجاد ساختارهای نوین مبارزه برای آزادی و برابری باز میشود. ایجاد سازمانهای چپ و کمونیستی محوریتترین فعالیت کمونیسم کارگری در منطقه است. پاسخ اصولی انقلاب کارگری در منطقه و ختم هر نوع تبعیض، از جمله تبعیض ملی و قومی است. وقتی انسانها آقدر آزاد باشند که هر کس بعنوان خودش، بعنوان انسانی با هویت و مشخصات فردی خویش، معتبر و محترم باشد، دیگر مردم نیازی نخواهند داشت تا برای احساس امنیت و حرمت برای خود هویتهای ملی و مذهبی و نژادی و

قومی بترانند. پاسخ اصولی به ستم و تبعیض، کمونیسم است. اما در غیاب چنین پاسخی، هنوز میتوان به شرایطی به مراتب انسانی تر و عادلانه تر از امروز دست یافت. در کردستان ترکیه باید مردم این حق را داشته باشند که در فراندومی آزاد، درباره جدائی یا ماندن با این کشور تصمیم بگیرند. واقعیت این است که ناسیونالیسم کرد و سلطه سازمانهای ناسیونالیست و بعضا حتی عشیرتی، بر زندگی سیاسی مردم کردستان، محصول جبری ستم ملی است. یک کشور مستقل در کردستان ترکیه، سازمانهای ناسیونالیستی و بازمانده های پ. کاکا، بسرعت منزوی میشوند و احزاب سیاسی مدرن و بخصوص احزاب و سازمانهای چپ و کارگری به جلوی صحنه سیاسی خواهند آمد. میداننداری ناسیونالیسم کرد، محصول تبعی و فرعی و جبری رژیم های مرتجع از قبیل دولت اردوغان و ژنرالهای ارتش در ترکیه است. دوره نوین دوره جدال شهروندان مدرن جامعه در کردستان ترکیه و ابراز وجود احزاب کمونیستی و رادیکال، است.

در این شماره نگاه هفته بخشهایی از انعکاس خبری پیام نوروزی عبدالله اوجلان را میاورم. - رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه در نخستین واکنش خود، پیام اوجلان را مثبت و سازنده عنوان کرد.

- وزیر کشور دولت ترکیه نیز ضمن استقبال از پیام نوروزی رهبر زندانی پ. کاکا، آنرا را آغازی برای صلح دانست و گفت که این پیام نتایج خوبی در سرنوشت کشور خواهد داشت.

- مراد کاراییلان، فرمانده نظامی حزب کارگران کردستان ترکیه، پ. کاکا، اعلام کرد که این گروه آتش بس را رعایت می کند و نیروهای نظامی به فرمان عبدالله اوجلان احترام خواهند گذاشت. این فرمانده نظامی در بخشی دیگر از سخنانش گفت: «همه باید بدانند که پ. کاکا، صلح را به جنگ ترجیح می دهند.

- خبرگزاری فرانسه پیام عبدالله اوجلان را تاریخی توصیف کرده و می گوید هزاران تن از کردهای ترکیه با شنیدن آن به هیجان درآمدند. عبدالله اوجلان در پیام

خود افزوده است که دوره مقاومت مسلحانه کردهای ترکیه «باب یک روند سیاسی دمکراتیک» را در این کشور گشوده است. بگفته او مردم کرد در این دوره به «هویت واقعی» خود دست یافتند. رهبر زندانی کردهای ترکیه در این پیام تاکید کرده که جنگجویان کرد باید خاک ترکیه را ترک کنند. خبرگزاری فرانسه می گوید موانع بی شماری بر سر راه توافق صلح میان کردها و دولت ترکیه وجود دارد و عدم موافقت دولت آنکارا با آزادی عبدالله اوجلان، یکی از این موانع به حساب میروند.

- معمر گولر، وزیر کشور ترکیه در واکنش به پیام رهبر زندانی کردها گفت «سخنان به کار رفته در این پیام از صلح حکایت دارد و ما طبیعتاً منتظر خواهیم ماند ببینیم نتایج این سخنان در عمل چه خواهد بود

## مطبوعات ترکیه

- يك مقاله نویس روزنامه ترکی "میلیت" در مورد توافقیهای طرفین و بیانیسه رهبر پ کاکا می گوید: «یکی از دلایل نهفته در اعلام این پیام است که پ کاکا می داند که نمی تواند پیروز شود. این به معنای شکست نیست. اما به این معناست که برای هر دو طرف پیروزی ای در کار نخواهد بود . مطبوعات این کشور با تیتراژیی مانند "خداحافظ اسلحه" و "بهار واقعی در ترکیه" از این پیام به عنوان آغاز دوره ای تازه در کشور یاد کردند.

- يك شهروند کرد ساکن استانبول در اینباره می گوید: «ما برادر هستیم. یکی کرد است، یکی ترک است، اینها معنی ندارد. من ساهاست در استانبول زندگی می کنم و تا به حال کسی به من نگفته تو کرد هستی. ما از اینجور مشکلات نداریم. اما به دلیل این مسائل تروریستی، دهکده ما الان خالی از سکنه است. اگر صلح برقرار شود، ما همه خوشحال خواهیم بود .

- یکی از ساکنان استانبول می گوید: «ما شهدای زیادی داده ایم. با این وجود همین الان هم اوجلان از درون زندان کنترل اوضاع را به دست گرفته. ما مخالفیم، خواستار صلح هستیم اما نه اینگونه. تنها در

## نگاه هفته...

از صفحه 5

خانواده ما سه نفر شهید شده اند.

یک شهروند دیگر: «ما همه با هم برادریم. این خبر خیلی ما را خوشحال کرد. یک شهروند دیگر؛ اگرچه برخی دیگر از شهروندان، بر این باورند که هواداران پ. کا. کا ممکن است به فرمان اوچالان تن در ندهند. یکی از هواداران پ. کا. کا می گوید: «ما در انتظار صلحیم، در انتظار روزهای بهتر. دیگر جنگ و درگیری نمی خواهم، به امید روزهای بهتر.» و دیگری می افزاید: هیچ چیز بهتر از صلح نیست. اما تازمانی که مادران کرد و ترک دست در دست هم ندهند، مردم خواهند مرد.

یک شهروند دیگر: فکر نمی کنم که عبدالله اوچالان در زندان قدرت کافی برای قانع کردن مردم خارج را داشته باشد. بنابراین شک دارم که مردم به او گوش دهند و سلاح را زمین بگذارند و ترکیه را ترک کنند.

یک استاد دانشگاه می گوید: «از هم اکنون اصول کشور ترکیه می تواند عوض شود. یعنی اینکه روند تغییر قانون اساسی سرعت بیشتری به خود بگیرد. پارلمان در روند صلح در خط مقدم قرار گرفته، بنابراین این روند تنها ابتکار حزب عدالت و توسعه نیست. همه اینها منجر به تغییرات اساسی در کشور خواهد شد.»

بوریا بختیار، خبرنگار یورونیوز در استانبول می گوید: «پیام اوچالان فضای خوشبینی و امید را فراهم کرده، اما ناسیونالیست ها خوشبین نیستند و منتظر دیدن نتیجه مشخص روند صلح اند.

اسفند ماه سال ۱۳۹۱ در کردستان با نظامی امنیتی کردن و دستگیریهای وسیع پایان رسید. در بیشتر شهرها از جمله سنندج و مریوان یک نوع حکومت نظامی اعلام نشده برقرار بود. و همچنان بیش از ۳۰ نفر در مناطق مختلف توسط اداره اطلاعات دستگیر شده اند. در بیشتر موارد خانواده دستگیر شدگان از سرنوشت و محل نگهداری آنها اطلاعی ندارند. اسامی بازداشت شدگان اینها هستند؛ مه‌باباد، قاسم احمدی، خسرو گردپور، مسعود گردپور سه

اعتراضات در فضای نظامی. امنیتی که نیروهای مزدور جمهوری اسلامی و اداره اطلاعات در شهرهای کردستان راه انداخته اند، روزنه امید به دخالت و اعتراض را در شکل انقلابی و رادیکال را تقویت کرده است. در اطلاعیه سوم فروردین ماه ۹۲ جمعی از کارگران اعلام کرده اند: «... در این میان طبقه کارگر با توجه به حاشیه نشین بودنش، و دور نگاه داشته شدنش از تمامی معادلات تعیین کننده سیاسی و اقتصادی ایران، و فقدان نیروی بالقوه سیاسی در تعیین رویکردهای نوین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، با در نظر داشتن مصالح طبقاتی خود، اولین گزینه برای تقبل سنگینی بار تمامی فشارهای موجود سیستم سرمایه داری بوده، و زندگی و معیشت آنان به مثابه سیبلی قابل دسترس، برای شلیک نهایی سرمایه داری خواهد بود. در مقابل این سیاست ضد کارگری، جنبش کارگری به مثابه پویاترین جریان، و پیشروترین جنبش اجتماعی ایران، هیچگاه سکوت ننموده، و نظاره گر تمام عیار استثمار بیشتر سرمایه نبوده، و با طرح مطالبات برحق خود، سعی در سازمان بخشیدن به ظرفیت های واقعی موجود درون طبقه کارگر نموده است؛ تا در سایه آن راه را برای رسیدن به دنیایی عاری از هر گونه ستم طبقاتی و استثمار انسان به دست انسان هموار ساخته، و زیربنای دنیای نوینبند آزاد و برابر، و سرشار از رفاه و عدالت اجتماعی را بنیان نهد. در چند سال اخیر، و با اوجگیری فشارهای اقتصادی بر گروه توده رنجبران و زحمتکشان، ظهور تشکلهای کارگری، با رویکردهای کاملن طبقاتی، نوید افقهای روشنتری را در پیششاری مبارزات طبقاتی کارگران ایران نمایاند؛ و خبر از وجود آلترناتیوی انسان مدار را با برخورداری بودن از بالاترین ظرفیت و پتانسیل را به همگان رساند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته پیگیری و مستقل چندین تشکل رادیکال و مستقل دیگر از جمله تشکلهایی هستند که در چند سال اخیر، با متحول ساختن فورم و شکل مبارزات کارگری سطح جنبش کارگری را ارتقاء بخشیده، و به نحوی آن را از رکود و انجماد

بیرون آورده اند. با این وجود این تشکلهای در چند سال اخیر، تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته، و مصائب فراوانی همچون تهدید، تعقیب، زندان و حتی ترور را نیز متحمل شده اند. اما هیچگاه به آرمانهای برحق طبقه کارگر پشت نکرده، و با آهنگی رساتر، مارش اتحاد و همبستگی طبقاتی را طنین انداز کرده اند. این تشکلهای همواره با تأکید بر تغییر ساختارها و مناسبات ضد کارگری موجود، و ایجاد بستر مناسب برای رهایی از ستم طبقاتی، نهایت اهتمام خود را به کار برده اند، تا کارگران و محرومان را به بهترین شیوه ممکن از گردنه ها و تند پیچهای مبارزاتی موجود بفرانند، و آنان را در نبرد تاریخ سازشان همراهی نمایند. اما در مقابل، سیستم سرمایه داری ایران بنا به وظیفه طبقاتی اش، به ترندهای مختلفی متوسل میشود تا روزنه های موجود بر سر جنبش کارگری را مسدود نماید؛ و هر گونه فریاد حق طلبانه ای را در گلو خفه نماید. گواه این ادعا: بازداشت‌های اخیر فعالین کارگری سنندج دقیقن در راستای اجرای همین سیاستهای ضد کارگری بوده، و مهر تأییدی دیگر بر تمامی برنامه های حافظان سرمایه در ایران میباشد. وفا قادری، خالد حسینی، علی آزادی، حامد محمودی نژاد، بهزاد فرج الهی و غالب حسینی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، و شریف ساعد پناه عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران، تنها به جرم عضویت در تشکلهای کارگری، و دفاع از حقوق کارگران، و اعتراض به سفره خالی آنان، بازداشت و محبوس شده اند. فعالینی که با پایبندی به اصول انسانی طبقه کارگر، ثابت نموده اند منافعی جدای از منافع کارگران نداشته و نخواهند داشت. با درک این واقعیتها، تنها سوآلی که ذهن هر انسان آگاه و وجدان بیداری را مشغول خود می سازد این است که: آیا دفاع از نان و مسکن و آزادی کارگران و محرومان مستحق چنین عقوبتی می باشد که این عزیزان دچار آنند؟ مگر برآیند فریاد مساوات و برابری طلبی اینان موجب گستراندن عدالت اجتماعی و رفاه فراگیر و همگانی نخواهد بود که اینچنین دربند و اسیرند؟ و ...

در پایان ما کارگران سنندج و حومه، ضمن پای فشاری بر تمامی مواضع برحق جنبش کارگری، هر گونه تعرض و تهاجمی به صفوف کارگران و فعالین کارگری (خصوصن فعالین بازداشتی سنندج) را قوین محکوم نموده، و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی آنان میباشیم. لذا در راستای ایجاد چتر حمایتی برای کارگران و فعالین کارگری، پشتیبانی و حمایت گسترده تمامی تشکلهای مدافع حقوق کارگر، سازمانهای حقوق بشری و انسانیهای آزادخواه و برابری طلب، و تمامی کارگران ایران و جهان را خواستاریم؛ تا در سایه آن کابوس سقوط طبقه کارگر ایران به پرتگاه نابودی، از واقعیت زندگی رنجبران زدوده شود... دامنه این اعتراضات را باید هر چه بیشتر با فراخوانهای وسیعتر در سطح جامعه بیشتر کرد. موقعیت کنونی و ابراز وجود مردم و بخشهای پیشرو از کارگران در دفاع از دستگیر شدگان زمینه های مادی - اجتماعی خیزشهای توده ای سازمانیافته را فراهم کرده است. دفاع و حمایت از این کمپین و آزادی فوری دستگیر شدگان کماکان امر دانی مردم در شهرها و کارگران در مراکز کار و کارخانه ها است.

در ۱۹ مارس در شهر سلیمانیه عراق تجمع اعتراضی تشکل کارگران ساختمانی این شهر برگزار شد. اعتراض کارگران به جلسات مشترک شهرداری و اتحادیه زرد به اسم اتحادیه کارگران ساختمانی برگزار شده است. احزاب کردی و هه رم کردستان اخیرا بمنظور ممانعت از ابراز وجود و طرح مطالبات کارگران رادیکال در رشته ساختمانسازی، با برقرار جلسات رسمی با یک اتحادیه زرد که دست ساز کاردستان هه رم کردستان است، تلاشهای فراوانی کرده اند. توطئه های ضد کارگری هه ریم کردستان و ایجاد ممانعت در مقابل تشکل کارگران رادیکال باید از طرف تشکلهای کارگری و مردم شریف شهر سلیمانیه محکوم شود. کارگران معترض و آگاه به منافع طبقاتی شان باید مورد بیشترین حمایت قرار گیرند.

۴ فروردین ماه يك کارگر

صفحه ۷

## نگاه هفته...

از صفحه 6

ساختمانی در حین کار در شهر مریوان به دلیل بروز حادثه و در فقدان امکانات ایمنی جان خود را از دست داد. این کارگر اهل روستای "سیاناو" از توابع مریوان به هنگام کار از بلندی به پائین سقوط کرد و متأسفانه در جریان این واقعه جان باخت.

## گزارش رادیو دویچه ویله از زبان فعال مدنی ساکن مریوان

سه زن در مریوان، یک زن در سنندج و دو مرد در پیرانشهر در سه ماه گذشته قربانی قتل ناموسی شدند. ۱۵ قتل ناموسی هم در سال ۱۳۸۸ در اهواز روی داده است. پروین ذبیحی از روابط سنتی ریشه‌دار و «جامعه‌پذیری» این قتل‌ها می‌گوید. روز ۸ مارس (۱۸ اسفند) و همزمان با روز جهانی زن، یک زن در شهر مریوان به دست پدرش به قتل رسید. زعفران محمدی از همسرش جدا شده بود و قصد ازدواج با مرد دیگری را داشت اما خانواده او با این موضوع مخالف بودند. این زن با مرد مورد علاقه‌اش فرار می‌کند و با هم به خانه او می‌روند. پدر مرد به پدر زعفران خبر می‌دهد که دخترش آنجاست. پدر به آن خانه می‌رود و دخترش را با دست خود خفه می‌کند؛ جنازه او را به روستای خودش می‌برد و در میدان

بومی منطقه خیلی وقت‌ها پذیرای این مسئله هست و مردم فکر می‌کنند با این قتل‌ها آبرویشان برمی‌گردد. خیلی‌ها هم خانواده را به قتل تشویق می‌کنند و البته خیلی‌ها هم نه «پروین ذبیحی به مورد دیگری از این نوع قتل‌ها اشاره می‌کند؛ خواهری ۱۲ ساله که از برادر ۱۴ ساله‌اش حامله شده بود. خانم ذبیحی با پدر این دختر حرف زده و به او گفته این دو کودک هر دو قربانی هستند اما پدر گفته مردم به من فشار آورده‌اند تا در نماز جمعه اعلام کنم که هردوی این‌ها باید سنگسار شوند.

وقتی قانون از قتل ناموسی حمایت می‌کند کنشگران مدنی و حقوقی با ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی به خوبی آشنا هستند. بر اساس این ماده قانونی هرگاه مردی زنش را با مرد دیگری در بستر ببیند و علم به عدم مخالفت زن داشته باشد، می‌تواند هردوی آنها را بکشد. ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی نیز تصریح کرده که پدر و جد پدری به خاطر کشتن فرزند قصاص نمی‌شوند. این دو ماده قانونی راه را برای قتل‌های ناموسی که اکثراً توسط اعضای خانواده صورت می‌گیرند، باز گذاشته است. البته در کنار قانون، سنت و عرف نیز مجازات قاتلان ناموسی را دشوار کرده است.

پروین ذبیحی با تأکید بر اینکه از مخالفان مجازات اعدام است و معتقد است که قاتل نباید اعدام شود، می‌گوید: «اینجا شاکی خصوصی معمولاً بعد از پدر، مادر است. اگر مادر رضایت دهد، قاتل مجازات نمی‌شود و مادر هم معمولاً با چشم‌گریان و دل‌خونبار رضایت می‌دهد چون نمی‌خواهد یک قتل دیگر یا یک زندان طولانی مدت در خانواده اتفاق بیفتد. اگر هم مثلاً پدر یا برادر مقتول چند سال در زندان بماند، در اثر فشار بیش از حد اطرافیان، مخصوصاً از سوی خانواده پدری، بالاخره مادر مجبور می‌شود رضایت دهد.» در مورد نقش شوهران، پروین ذبیحی

روی افکار عمومی مردم تأثیر می‌گذاشت به طوری که به گفته وی کسانی که ممکن بود دست به چنین اعمالی بزنند، از ترس اعتراضات اجتماعی و اینکه خود و خانواده‌شان انگشت‌نما نشوند، از این کار منصرف می‌شدند. پروین ذبیحی خود از طریق حرف‌زدن با خانواده‌یک دختر و تأکید بر اینکه اگر قتل صورت بگیرد، خانواده در پی اعتراضات اجتماعی انگشت‌نما خواهد شد، توانسته جلوی وقوع قتل را بگیرد. قتل ناموسی فقط مختص کردستان ایران نیست. از پیرانشهر و بانه و مهاباد و سنندج تا مریوان و اهواز و کردستان عراق و ترکیه، زنان قربانی روابط سنتی و قبیله‌ای هستند. بر اساس گزارش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، تنها در سال ۱۳۸۸ در شهر اهواز ۱۵ زن قربانی قتل ناموسی شدند.

بر اساس همین گزارش، در سال ۱۳۹۰ در کل ایران ۳۴۰ زن قربانی قتل ناموسی شدند. بیشتر این قتل‌ها در مناطق کردستان و خوزستان اتفاق افتاده است. پروین ذبیحی می‌گوید از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ در کردستان عراق پنج هزار زن عراقی، کشته شده، خودسوزی کرده و سنگسار شده‌اند. به گفته این فعال زنان، بسیاری از خودسوزی‌ها نیز به اجبار خانواده صورت می‌گیرد. به عنوان مثال در یک مورد دختری در سنندج با دوست‌پسرش به ساندویچ‌فروشی می‌رود؛ پدر دختر بعد از دیدن این صحنه او را وادار به خودسوزی می‌کند. در موارد دیگر نیز سخت‌گیری‌های خانواده، دختر را به سمت خودسوزی سوق می‌دهد. یکی از مواردی که خانم ذبیحی در مورد آن با دویچه ویله سخن می‌گوید، مربوط به دختر ۱۳ ساله‌ای به نام پریا رحمتی است. وی یک هفته قبل از قتل زعفران محمدی در مریوان خودسوزی کرده است. پدر و مادر این کودک ۱۳ ساله از هم جدا شده بودند. او که با پدرش زندگی می‌کرده، هیچ‌گونه آزادی نداشته به طوری که حتی لباسش را نمی‌توانسته خودش انتخاب کند و اجازه دیدار با مادرش را هم نداشته است. این دختر در نهایت دست به خودسوزی می‌زند. پروین ذبیحی می‌گوید: «کسانی که به محل رفته بودند تعریف می‌کردند که این دختر

چندین بار کبریت آتش زده و دوروبرش پراز چوب کبریت بوده؛ حالا یا می‌ترسیده یا دلش می‌خواسته کسی بیاید و جلوی او را بگیرد. مدام این کبریت‌ها را آتش زده و خاموش کرده و بالاخره هم خودش را می‌سوزاند.» پروین ذبیحی در کنار سایر عوامل، «روابط عشیره‌ای» حاکم بر برخی مناطق را علت وقوع قتل‌های ناموسی می‌داند: «در این مناطق عشیره حرف اول را می‌زند. اگر رئیس عشیره گفت این زن باید کشته شود، باید کشته شود. منتها در کردستان ایران رئیس عشیره نیست، اینجا رئیس خانواده است؛ پدر است، پسر است، برادر است، پسرعموست و مردهای نزدیک فامیل که فرمان قتل زن را صادر می‌کنند.»

کودکان خیابانی پدیده‌ای اجتماعی و زاده فقر است. در اثر گرانی و بیکارسازی‌های وسیع در شهرهای ایران هر روز بر تعداد کودکان خیابانی افزوده می‌شود. در ایران هیچ آمار رسمی و دقیقی از کودکان کار و یا کودکان کار و خیابان وجود ندارد. بعضی از فعالان حقوق کودک، آمار کودکان ایرانی و افغانی مشغول به کار را تا ۷ میلیون ذکر کرده‌اند. «هرانا» در سال ۱۳۸۹ به نقل از سازمان جهانی کار نوشت که ۵ میلیون و ۷۰۰ کودک در ایران مشغول به کارند. بر طبق آمار دولت در سال ۹۰ بیش از ۳ میلیون کودک از چرخه تحصیل خارج بوده‌اند. شعر زیبای ناهید وفايي در سرآغاز نوروژ و با تلاش و مبارزه برای «امنیت» و «سرپناه» و «پایان سرما» و «سفره هفت سین» به کودکان خیابانی تقدیم می‌شود. البته با امید به رهایی و دنیایی بهتر و پیام‌های شادباش آرزوی بهترینها! کسی می‌گوید که ما سفره هفت سین نداریم! با سین «سقوط» در خیابان «سرماي» «سوزناک» خیابان «سفره ای» خالی از نان «سایه» شوم ماموران «سرنش‌های» عابران و با «صدای» بی‌صدا مان هر سال سفره هفت سین می‌چینیم! و هر سال باز با آرزوی سقفي از امنیت و خانه‌ای پراز محبت سال ما هم تحویل می‌شود.\*



## از صفحه ۱ بیانیه جمعی از کارگران ...

سکوت ننموده، و نظاره گر تمام عیار استعمار بیشترمانه سرمایه نبوده، و با طرح مطالبات برحق خود، سعی در سازمان بخشیدن به ظرفیتهای واقعی موجود درون طبقه کارگر نموده است؛ تا در سایه آن راه را برای رسیدن به دنیایی عاری از هر گونه ستم طبقاتی و استعمار انسان به دست انسان هموار ساخته، و زیربنای دنیای نوینبند آزاد و برابر، و سرشار از رفاه و عدالت اجتماعی را بنیان نهد.

در چند سال اخیر، و با اوجگیری فشارهای اقتصادی بر کرده توده رنجبران و زحمتکشان، ظهور تشکلهای کارگری، با رویکردهای کاملن طبقاتی، نوید افقهای روشنتری را در پیشش روی مبارزات طبقاتی کارگران ایران نمایاند؛ و خبر از وجود آلترناتیوی انسان مدار را با برخوردار بودن از بالاترین ظرفیت و پتانسیل را به همگان رساند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته پیگیری و چندین تشکل رادیکال و مستقل دیگر از جمله تشکلهایی هستند که در چند سال اخیر، با متحول ساختن

فرم و شکل مبارزات کارگری سطح جنبش کارگری را ارتقاء بخشیده، و به نحوی آن را از رکود و انجماد بیرون آورده اند. با این وجود این تشکلهای در چند سال اخیر، تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته، و مصائب فراوانی همچون تهدید، تعقیب، زندان و حتی ترور را نیز متحمل شده اند. اما هیچگاه به آرمانهای برحق طبقه کارگر پشت نکرده، و با آهنگی رساتر، مارش اتحاد و همبستگی طبقاتی را طنین انداز کرده اند.

این تشکلهای همواره با تأکید بر تغییر ساختارها و مناسبات ضد کارگری موجود، و ایجاد بستری مناسب برای رهایی از ستم طبقاتی، نهایت اهتمام خود را به کار برده اند، تا کارگران و محرومان را به بهترین شیوه ممکن از گردنه ها و تند پیچهای مبارزاتی موجود برهانند، و آنان را در نبرد تاریخ سازشان همراهی نمایند. اما در مقابل، سیستم سرمایه داری ایران بنا به

## برای رفیق اختر کمانگر!



نسان نودینیان

پرداخت پول و پیگیری این پرونده را نداشتیم. رفیق صدیق با کمال خوشرویی و با روحیه ای انسانی به کمک ما آمد. این فداکار و این همه صمیمیت او در خانواده ما ماندگار شد. پدر و مادر، خواهر و برادرانم، اقوام و وابستگانمان از این تاریخ بعد با یک شخصیت محبوب و انقلابی و هوشیار آشنا شدند. و در تمام طول حیات او و در دوره ای که او در شهر سنندج فعالیت میکرد، از او پشتیبانی و دفاع میکردند.

یاد عزیزش، فعالیتهای انقلابی و کمونیستی اش برای نسل جوان امروز و برای آیندگان قدرت گیری کمونیستها آموزنده و با ارزش است!

۲۶ مارس ۲۰۱۳  
کلن (آلمان)



در سالهای قبل از انقلاب ۱۳۵۷ بودیم. محفل ما جمع مبارزین کمونیست در شهر مریوان فعالیتش را آغاز کرده بود. برای خانواده ما مشکلی پیش آمده بود. خواهر عزیز و انقلابی رادیکال عزیزه نودینیان در اثر جدایی از همسرش همراه کودک خردسالش که کمتر از یکسال سن داشت به نزد ما از شهر سراب به مریوان برگشته بود. او فرزند عزیزش را با خودش آورده بود. در جریان مراحل طلاق و امور قانونی آن دوره ما به و کیلی دلسوز نیاز حیاتی داشتیم. رفقای عزیزم مجید حسینی و رؤف کهنه پوشی (رفیق رؤف کهنه پوشی در جریان حمله به مقر مزدوران محلی و عناصر احمد مفتی زاده در ۲۳ تیر سال ۱۳۵۸ جانباخت) و عبدالله کهنه پوشی با رفیق صدیق کمانگر در تماس بودند. صدیق در آن سالها در رشته حقوق تحصیلش را پایان رسانده بود و در شهر سنندج دفتر وکالت داشت. مجید حسینی که از نزدیک با مسائل و مشکلات خواهرم آشنا بود، در ارتباط با مساله جدایی و حق حضانت و نگهداری از فرزند عزیزه با صدیق کمانگر صحبت کرده بود. تا ایندوره من از کانال مجید و رؤف و تعقیب مقدرات درونی رفقای کومه له در آن سالها که به "تشکیلات" شناخته شده بودند، آشنا بودم. در هر حال صدیق کمانگر وکالت و پیگیری امورات قانونی فرزند عزیزه را قبول کرد. او در کمال صمیمیت این پرونده را به پایان رساند و موانع اداری و قانونی فرزند عزیزه را حل کرد. کارهای رفیق صدیق کمانگر بشکل رایگان انجام شد. و البته در آن دوره سخت ما توانایی

اختر کمانگر چند ماه قبل اعلام کرده بود که قصد انتشار کتابی در مورد رفیق جانباخته "صدیق کمانگر" منتشر خواهد کرد. در اینجا خاطره ای کوتاه از رفیق "صدیق کمانگر" را مینویسم. اما قبل از وارد شدن به نوشتن این خاطره کوتاه چند نکته از نظر من ضروری است.

انتشار کتاب در مورد رفیق "صدیق کمانگر" کار بسیار ارزنده و قابل ستایش است. در تاریخ جنبش کمونیستی ایران کمونیستهای انقلابی مثل "صدیق کمانگر" جایگاه ویژه ای دارند. "صدیق کمانگر" یکی از کمونیستهای انقلابی بود که عمل و فکر کمونیستی را با پراتیک دخالتگر بکار میبرد. او از زمره کادرهای جنبش کمونیستی ایران است که بقدرت سیاسی، و میدان عمل فعالیت انقلابی کارگران و مردم ناراضی جنبه عملی داد. رفیق صدیق کمانگر را باید در متن تقابل جبهه های نبرد ارزیابی کرد. او محصول تالقی دو روند سیاسی-اجتماعی بود. سازش و تن دادن به حملات لجام گسیخته یک نظام مسلح و هار تازه بقدرت رسیده که "عطش" ضحاک ماندش در کشتار و زندانی کردن کمونیستها و انقلابیون شروع شده بود، و روند دفاع از دستاوردهای رادیکال انقلاب روندی که حزب و قدرت سیاسی را به محک آزمایش و پراتیک اجتماعی گذاشت. دخالتگری انقلابی! و همه چیز در خدمت قدرت سیاسی، جنگ و نبرد و نهراسیدن از اشتباه در عمل اجتماعی، بود. صدیق کمانگر به این روند و نبرد انقلابی تعلق داشت. و در راس آن قرار گرفت.

خواستاریم؛ تا در سایه آن کابوس سقوط طبقه کارگر ایران به پرتگاه نابودی، از واقعیت زندگی رنجبران زدوده شود...

زنده باد جنبش رادیکال و پیشرو طبقه کارگر جمعی از کارگران سنندج و حومه\_۱۳۹۲/۳

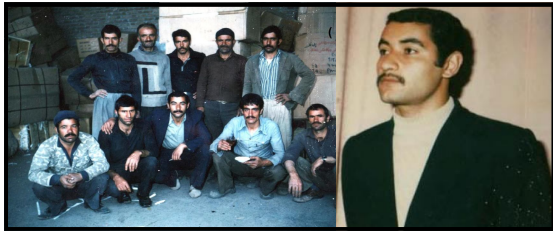
**Free jailed workers in Iran**

Mohammad Jarahi, Reza Shahabi, Ali Nejati, Shahrakh Zamani, Mohamadali Mohamadi, Ali Akhavan, Rasoul Bodaghi, Behnam Ebrahimzadeh

**FREE THEM NOW!**



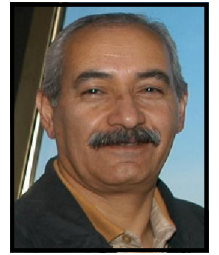
## مختصری از تاریخ یک دوره / بخش دوم



نمود و آنرا تحریک آمیز می دانست. مرا از ادامه کار بازداشت و مجدداً بیکار شدم. چنانکه پیشتر گفتیم ایرج فرجاد با استفاده از وسیله نقلیه اش که یک کامیون بود و در یک شرکت حمل و نقل ترانزیت به انتقال کالا های تجاری مشغول بود، به من اطلاع داد که بخش دفتری ترمینال حمل و نقل که در میدان دروازه غار حوالی میدان شوش و در جنوب تهران قرار داشت به یک نفر کارگر در بخش قیمت گذاری کرایه کالا ها احتیاج دارد. من هم از اینکه داره شغلی گیرم میاد خوشحال و راضی به استقبال کار جدید رفتم.

در این شرکت استخدام شدم و بتدریج در محل جدید خیلی سریع کار را یاد گرفتم و یکی از کارگران شاغل در شرکت حمل و نقل کار می کرد، در منزل خود که در نزدیکی محل کارم قرار داشت، اطاقی را به من کرایه داد و بتدریج، هم از نظر کار و سکونت و هم از نظر فعالیت در تشکیلات تهران سروسامان پیدا کردم. تا مقطع حمله رژیم به احزاب و سازمانهای سیاسی در ۳۰ خرداد سال ۶۰، در این شرکت به کار مشغول بودم.

موقعیتم از هر نظر در این شرکت خوب بود. درآمد نسبتاً خوبی داشتم و علاوه بر تأمین زندگی خودم، هم به تشکیلات وقت در تهران کمک مالی میکردم و هم برای خانواده ام در سنندج هر ماه مبلغی را بعنوان کمک خرجی می فرستادم. بعدها و بتدریج در پروسه کار بتدریج این محل را بطور ابتکاری و از سر ضرورت به مرکز تدارکات برای تشکیلات علنی تبدیل کردیم. بسیاری از نیازمندیهای بخش علنی در کردستان در تهران و شهرستانها تأمین و از طریق شرکت حمل و نقل بصورت مخفی و با پوششهای اجتماعی به مناطق آزاد در کردستان منتقل می کردیم. دو مسئله در این مدت و در شرکت حمل و نقل برایم بسیار مهم و برجسته بود. اول اینکه کارگرانی در این شرکت بکار اشتغال داشتند که تا حدودی سوژه مناسبی برای پیشبرد آن تلاشی بود که بخاطر آن همه چیز زندگیم عوض شده بود و دوم فعالیت سیاسی تشکیلاتی سازمانیافته و متشکل



عبدل کلپریان

### ۳ فعالیت در تشکیلات تهران

ادامه فعالیت و زندگی جدید را در تهران و در تابستان سال ۵۹ شروع کردم. ابتدا به منزل یکی از بستگان نزدیکم که سالها در تهران و در یک مجتمع کارگری زندگی می کرد رفتم. موقتاً اسکان پیدا کردم. تلاش برای برقراری ارتباط با رفقایی که در تشکیلات تهران فعالیت می کردند در دستور گذاشتم. این تلاش بلاخره به نتیجه رسید و بر حسب تصادف یکی از این فعالین که از بچه های سنندج و از هم محلی هایم بود را پیدا کردم و هدیگر را ملاقات کردیم. ایشان در همین مجتمع کارگری سرپرستی بخش از آنجا را بر عهده داشت. توسط او به تشکیلات تهران وصل شدم و مرتباً نشریات را دریافت می کردم و از اخبار و رویدادها مطلع می شدم. اما هنوز فعالیت عملی مشخصی نداشتم.

از من خواسته شد که باید در جایی کاری پیدا کنم (تا هم با مردم در تماس باشم و هم محملی برای پوشش فعالیتهای تشکیلاتی ام باشد). این سبک و روش کاملاً درست و بجا بود و می بایست در ظرفیت پوششهای واقعی اجتماعی و کاری، به فعالیت پرداخت. امری که بخاطر نادیده گرفتن آن از طرف سازمانها و جریانات چپ و اپوزیسیون آن دوره که بصورت محافل و خانه های تیمی مخفی کار می کردند، سبب بازداشتها و دستگیریهای زیادی شده بود. مدتی را بیکار و در منزل فامیلم اقامت داشتم. علافی من که هنوز دستم به شغلی بند نبود برای نیروهای گشتی رژیم که سرگرم طرح و تدارک پورش ۳۰ خرداد ۶۰ بودند، برایم نگران کننده بود. از سوی دیگر اینکه هنوز برنامه ریزی شده و بطور سازمانیافته فعالیتیم در تشکیلات تهران آغاز نشده بود اینها و مسایل متعدد دیگری شرایط سختی را برایم ایجاد کرده بود مدتی را در کانون سوارکاران سرگرم بودم با کارگران زیادی آشنا

برای پیشبرد و تحقق اهداف کمونیستی و همچنین انجام عملی وظایفی در جهت تأمین نیازمندیهای بخش علنی در کردستان. از این محل برای آمد و رفت کادرهای بالای کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست به مناطق آزاد کردستان و بلعکس نیز به خوبی استفاده میشد.

بزودی در میان کارگران رابطه بسیار نزدیکی را برقرار کردم. این رابطه تأثیر بسزایی در شناخت بیشتر من از کارگران و استثماری که از آنها میشد برجای گذاشت. کارگران شرکت که در قسمت حمل و نقل تهران و به غرب کشور کار می کردند از ۱۰ الی ۱۵ نفر تجاوز نمی کرد اما بخش جنوب و شمال نیز هر یک در همین سطح کارگر داشت و در مجموع ۳۵ الی ۴۰ نفر کارگر را شامل می شد. کار این کارگران، حمل و انتقال کالاهای تجاری به داخل کامیونها بود. کاری سخت و طاقت فرسا را انجام می دادند. صحبتهای زیادی از بی حقوقی آنان و کل طبقه کارگر استثماری شونده مابین من و آنها صورت می گرفت. عمدتاً از این صحبت می کردم که اگر نیروی کار شما نباشید کارفرما این همه ثروت و دارایی را نمی تواند صاحب شود. هم زمان با این صحبتها بود که کارگران نسبت به میزان دستمزد دریافتی در قبال کار سخت و طاقت فرسانی که انجام می دادند ناراضی و معترض بودند. بلاخره این صحبتها و شرایط نابرابری که در آن بسر می بردند سبب شد که روزی را برای دست کشیدن از کار و در واقع یک اعتصاب و برای افزایش دستمزد اعلام کنند.

اعتصاب شروع شد و بعد از دو روز که از اعتصاب می گذشت تمامی محوطه ترمینال که به اندازه یک سوم یک میدان فوتبالی بود، مملو از کالاهایی شد که بعلت اعتصاب کارگران برای افزایش دستمزد از انتقال به کامیونها در انبارها و یا محوطه

ترمینال دست نخورده مانده بود. اعتصاب کارگران باعث شد کامیونها از متوقف بمانند، فروشنندگان کالا در تهران و خریداران در سنندج، کرمانشاه و میوان صدای اعتراض شان رو به مدیریت شرکت بلند شده بود. مدیر شرکت که با من روابط تقریباً حسنه ای داشت، چند بار از من درخواست کمک نمود و به من گفت: "تو با کارگران رابطه خوبی داری با آنها صحبت کن و شرایطی که برایشان توضیح بده بلکه اعتصاب را تمام کنند. به می گفت عبدل خیلی تحت فشار هستم آنها به حرف تو گوش می کنند خواهش می کنم قانعشان کن. در پاسخ بهش گفتم خوب دستمزدشان را اضافه کن قال قضیه را بکن. من هم وقتی به نزد کارگران می رفتم چگونگی وضعیت کارفرما و اینکه دارد به خواهش و تمنا می افتد و در وضع ناهنجاری قرار گرفته، برای کارگران بازگو می کردم و ازشان می خواستم که محکم روی خواستههایشان بایستند و اعتصاب را ادامه دهند چون مدیر شرکت به تنگنا افتاده و راهی جز افزایش دستمزدهای شما را ندارد. بلاخره این اعتصابدالی سه روز طول کشید و دست آخر مدیر شرکت این بخش ناچار به قبول افزایش دستمزد کارگران شد. این یک موفقیت برای کارگران و برای من هم بود چرا که برای پیروزی آن تلاش زیادی را بکار گرفتم. بعد از این اعتصاب و موفقیت آن بود که رابطه کارگران با من بسیار نزدیکتر از قبل شد. تأثیر این اعتصاب بر کارگران بخشهای دیگر تا آن حد بود که مدیران بخشهای غیر اعتصابی مقداری متعادل تر با کارگران بخش خود برخورد می کردند و نگران از تأثیر اعتصاب کارگران بخش غرب بر دیگر کارگران بودند.

ادامه دارد

## نگ بر گرانی و عاملین آن

کارگران! معلمان! پرستاران! شاغلین! بیکاران! مردم محروم!

گرانی هرروزه و فقر و نداری زندگی همه ما را به درد و عذاب تبدیل کرده است. تا این حکومت دزدان و مفتخوران حریص و میلیاردر هست، اوضاع هرروز بدتر و بدتر خواهد شد. ثروتهای میلیاردری آنها تماما حاصل دزدی نان شب فرزندان ماست، و ما مانده ایم و درد عمیق و خشم بی انتهایمان.

تنها راه نجات ما از این فقر و گرانی و حسرت و محرومیت که هرروز غیر قابل تحمل تر میشود، اینست که خشم مان را فرو نخوریم. داد بزنیم! فریاد بزنیم! اعتصاب کنیم! اعتراض کنیم! به مفتخوران حاکم هرچه سزایشان است با صدای بلند بگویم! کوچه و خیابان و کارخانه و صف خرید و همه جا را به کانونهای اعتراض و حق خواهی تبدیل کنیم. هم اینک اینجا و آنجا اعتصابات کارگری و اعتراضات و بیرون ریختن فریاد خشم علیه مسببین این اوضاع هرروز مشاهده میشود. و همین را باید میلیونی و سراسری کرد.

تک تک ما مردم حق داریم نه فقط نان و میوه و خانه و کاشانه مناسبی داشته باشیم، بلکه زندگی مرفه و شاد حق ماست. برخورداری از همه نعمات حق ماست. برخورداری از پزشک و داروی رایگان حق ماست. تحصیل رایگان و مناسب حق همه فرزندان ماست. استراحت و تفریح و مسافرت و استفاده از آخرین دستاوردهای زندگی حق همه ماست. هیچ تک نفری چه شاغل چه بیکار چه بیمار و چه معلول، در این جامعه نباید گرسنه و محروم و حسرت کشیده بماند. ما انسانیم و زندگی انسانی حق بی چون و چرای تک تک ماست.

این حکومت و این نظام ناعادلانه سرمایه داری را میتوانیم درهم بکوبیم و جامعه ای آزاد و شاد و مرفه و انسانی را برپا داریم.

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!  
زنده باد سوسیالیسم!  
حزب کمونیست کارگری ایران

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

#### سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

#### آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

#### کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

#### هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

#### آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrsswift code : BOFAUS

#### شماره حساب انگلیس

#### ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

#### از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

#### کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

#### از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

**توجه توجه**  
**برنامه پخش مستقیم به زبان کردی از کانال جدید**  
**مجری برنامه: یدی محمودی**  
**این برنامه پنجشنبه ها از ساعت ۱۱ تا ۱۲:۳۰ شب به وقت ایران و ۸:۳۰ تا ۱۰ به وقت اروپای مرکزی پخش میشود**  
**مشخصات ماهواره: KURD KANNEL**  
**هات برد ۸**  
**ترانسپوندر ۱۵۵**  
**فرکانس ۱۱۶۴۲ افقی**  
**اف ای سی ۵/۶**  
**سیمبل ریت ۲۷۵۰۰**  
برای مشاهده برنامه پخش مستقیم به زبان کردی و دیگر برنامه های کانال جدید از اینترنت به لینک زیر مراجعه کنید.  
<http://www.newchannel.tv/>

#### تلفن و ای مایل آدرس تماس با سر دبیر

Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

**اساس سوسیالیسم انسان است.**  
**سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار**  
**به انسان است.**

**مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**